

شبهه زدایی عزاداری امام حسین علیه السلام

بر اساس سوگواری پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت حمزه

علیه السلام از منظر دانشمندان اهل سنت

محمدجواد یعقوبی^۱

محمدنظیر عرفانی^۲

چکیده

«گریه» و «عزاداری» در کنار «خنده» از خصایص انسان و آفرینش بوده و از عوامل تعدیل عواطف و احساسات بشری به شمار می‌آید که در نهانش به ودیعه نهاده شده است، اما آنچه حائز اهمیت است بررسی دینی و نگرش از دریچه کلامی به این مسئله است. سوگواری و ریختن قطره اشک بر فردی که از دنیا رحلت کرده به طور عام، درجایی مورد مناقشه و شبهه قرار می‌گیرد که تبدیل به یک سنت شده و پس از گذشت قرن‌ها همچنان سالیانه با تصریح به سنت حسنه بودن آن به طور خاص بر شهادت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و یارانش گریسته شود. این گفتار در پی آن است تا با بررسی سوگواری و عزاداری پیامبر اسلام بر حضرت حمزه سیدالشهدا، شبهه عزاداری و هابیت را با روش تحلیلی – توصیفی به بوته نقد کشد. با بررسی و مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته اهل سنت با یکدیگر در این خصوص به خوبی نمایان می‌گردد وجود سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر عزاداری بر حضرت حمزه (علیه السلام) ثابت و غیرقابل تردید است، علاوه بر آن درخواستشان برای گریه بر حمزه (علیه السلام)

۱. دانش‌پژوه دکتری جریان‌های کلامی معاصر جهان اسلام – جامعه المصطفی العالمیه – mjawadyaqubi@gmail.com – (نویسنده مسئول) تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۷/۲۲ تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۹/۱۰

۲ دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش اجتماعی) جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

و ترویج سنت آن و اعتراف صریح اندیشمندان اهل سنت بر وجود سنت گریه در ابتدای مجالس بر حضرت حمزه (علیه السلام) تا قرن سوم که عصر طلایی صحابه، تابعین و اتباع تابعین را شامل می شود رابطه مضبوطی با جواز عزاداری شیعیان در ماه محرم بر امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا تا قرن ها بعد خواهد داشت.

کلیدواژگان

حمزه، سیدالشهدا، پیامبر اسلام، عزاداری، شبهه، دانشمندان اهل سنت.

طرح مسئله

عزاداری در شهادت ائمه (علیهم السلام) به ویژه امام حسین (علیه السلام) از سنت ها و مراسم مهم شیعیان است به گونه ای که به عنوان شاخصه مهم شیعه از دوره صدر اسلام توسط اهل بیت و پیروان آن ها حفظ و برقرار شده است. کارکرد عزاداری ضمن زنده نگه داشتن مکتب اسلام و فراموش نکردن ارزش ها، موجب آشنایی و پیوند قلوب با شهدای راه اسلام ناب محمدی همچون حضرت حمزه، شهدای بدر، احد و کربلا و ... می گردد و از سوی دیگر با ایجاد هم بستگی اجتماعی، ایجاد فضای معنوی و تقویت عواطف و احساسات دینی، جامعه دینی را نیرومند و پویا می سازد. متأسفانه با وجود اهمیت فراوان آن در طول زمان توسط بداندیشان و معاندان مورد آماج شبهات و تهمت ها در خصوص چیستی و چرایی عزاداری خصوصاً بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) واقع شده است، این شبهات طرح مجدد بحث، با نگاه ویژه به سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خصوص عزاداری و مطالعه مقارنه ای نظرات و بازخوانی شبهات را می طلبد. از متقن ترین دلایل بر جواز و صحت عزاداری روایات متعددی است که در زمینه سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عزاداری بر حضرت حمزه (علیه السلام) وارد شده است به خصوص اینکه اگر با نگاهی بیرونی به مسئله عزاداری از منظر اندیشمندان اهل سنت بنگریم و مسئله را مورد کاوش قرار دهیم، می توانیم با

ارائه درک صحیحی از این موضوع گام‌های سازنده‌ای برای زمینه‌سازی پیوند هر چه بیشتر امت اسلامی و وحدت در عرصه‌های مختلف اعتقادی فرهنگی فراهم ساخته و موجبات بدبینی و اختلاف میان مسلمانان را بزدااییم. به همین جهت در تحقیق حاضر جهت شبهه زدایی از عزاداری امام حسین (علیه‌السلام)، سنت عزاداری را با تکیه بر سوگواری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر حضرت حمزه (علیه‌السلام) از منظر دانشمندان اهل سنت مورد کنکاش قرار خواهیم داد.

پیشینه و روش تحقیق

پیشینه موضوع: در خصوص عزاداری در اسلام ابتدایی‌ترین مباحث، روایات متعددی است که در متون حدیثی به چشم می‌خورد زیرا عزاداری موردتوجه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده و آنان ضمن تأکید بر برپایی مراسم عزاداری و رفع شبهات پیرامون آن همواره مراقب بودند که این مراسم از مسیر اصلی خویش منحرف نگردد. لذا پیشینه موضوع در خصوص ترویج و پاسداشت فرهنگ صحیح عزاداری به عصر حضور معصومین (علیهم‌السلام) باز می‌گردد.

پیشینه آثار: در دوره معاصر مباحث مربوط به شبهات عزاداری موردتوجه گسترده اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است به‌گونه‌ای که با نگرش کلی به پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه عزاداری می‌توان دریافت آثار متعددی در این خصوص به رشته تحریر در آمده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «آیا عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام بدعت است؟» از وبگاه مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌فرجه) نسبتاً تفصیلی از زوایای مختلف قرآنی، تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) به آن پرداخته است. «عزاداری؛ بدعت است یا سنت؟» اثر رضا بابایی؛ «پاسخ به اهم شبهات عزاداری» نوشته سید جواد حسینی؛ «تحلیلی جامعه‌شناختی از سنت عزاداری امام حسین علیه‌السلام» از اکبر میرسپاه؛ برخی از کتب: «پاسخ به شبهات عزاداری» تألیف حسین رجبی؛ «عزاداری رمز محبت» نوشته مهدی صدری که در جلد نخست ۲۶۰ اثر به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و لاتین پیرامون موضوعات گوناگون عزاداری اشاره می‌کند از قبیل

اثبات مشروعیت، از دیدگاه قرآن، سنت پیامبر، روایات اهل سنت، ردّ شبهات، فضائل، اهداف و فلسفه عزاداری، تاریخچه، انواع و آداب عزاداری و...؛ «شبهات عزاداری دوجلدی» از سید مجتبی عسیری؛ «تاریخچه عزاداری اهل تسنن بر امام حسین علیه‌السلام» نوشته حسین تهرانی این اثر پژوهشی مستند پیرامون پیشینه سوگواری، واقعه عاشورا، تحریف عاشورا و مشروعیت عزاداری از دیدگاه اهل تسنن است؛ «بزرگ‌ترین مصیبت عالم (پاسخ به شبهات و تحریفات عاشورا)» از محمد خادمی؛ «عطش عشق (پاسخ به شبهات محرم و عزاداری)» تألیف روح‌الله زال و حسین جمالی؛ هم با تجمیع و دسته‌بندی از زوایای گوناگون عقلی، تاریخی، روایی و... به اصل مسئله عزاداری شیعیان پرداخته و گاهی به شبهات پیرامون آن پاسخ گفته‌اند اما نقد شبهه عزاداری با ادعای سنت و شرعی بودن آن با استناد به سیره پیامبر اسلام که مورد اتفاق و اطمینان جمعی مورخین و متفکرین اهل سنت است، لازم دیده شد به شکل مشروح و تفصیلی با استفاده از ذکر نقل‌های متعدد تاریخی توسط اندیشمندان اهل سنت تنها مصادیق «سوگواری پیامبر اسلام بر حضرت حمزه سیدالشهدا» و به روش توصیفی - تحلیلی و در ابعاد گوناگونی همچون کلامی، تاریخی، روایی و... بررسی شود.

شبهه شناسی

در مسئله عزاداری بر امام حسین (علیه‌السلام) شبهات و سؤالات بسیاری در ابعاد گوناگون از سوی بدخواهان و نابخردان داخلی و خارجی مطرح گشته و همچنان در اعصار مختلف با تغییر ادبیات بارها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کاملاً هدفمند و مغرضانه منتشر می‌شود، نگاه نقادانه این پژوهش به مسئله عزاداری و گریه بر شخص درگذشته، از حیث مشروعیت دینی آن خواهد بود که مورد انکار و شبهه از سوی ابن تیمیه و پیروانش خصوصاً محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته است.

وهابیت در دو حوزه نسبت به عزاداری بحث می‌کند، نخست: حرمت گریه بر هر شخصی و در مرحله بعد عزاداری بر امام حسین (علیه‌السلام) را بدعت

می‌داند.

ابن تیمیه حرانی (۶۶۱-۷۲۸ ق)، در کتابش «منهاج السنه» هنگام طرح مسئله عزاداری بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، آن را یک عمل احمقانه دانسته و این گونه تحریر می‌کند:

«ومن حماقتهم اقامه المأتم والنياحه على من قتل من سنين

عدیده».

از حماقت‌های شیعه این است که هر سال ماتم می‌گیرند و نوحه‌سرایی می‌کنند، برای امام حسینی که سال‌ها قبل به شهادت رسیده است.^۱

«وصار الشيطان بسبب قتل الحسين رضى الله عنه يحدث

للناس بدعتين بدعة الحزن والنوح يوم عاشوراء ... وكذلك بدعة

السرور والفرح».

شیطان به خاطر شهادت امام حسین (علیه السلام) دو بدعت در میان مردم رواج داده، بدعت محزون شدن و گریه کردن برای او و نوحه‌سرایی و عزاداری در روز عاشورا و بدعت سرور و شادی در روز عاشورا.^۲

محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ق)، مؤسس وهابیت بیان می‌دارد:

«ومن قبائح هؤلاء الرافضة أنهم يتخذون يوم موت الحسين

رضى الله عنه مأتماً فيتركون الزينه ويظهرون الحزن ويجمعون

النوائح يبكين ويصورون صورة قبور الحسين رضى الله عنه

ويزينونها ويطوفون بها فى السكك ويقولون: يا حسين ويسرفون

فى ذلك إسرافاً محرماً وكل ذلك بدعة».

یکی از کارهای زشت و قبیح شیعیان این است که روز شهادت امام حسین (علیه السلام) را روز عزا قرار می‌دهند و حزن خود را اظهار و نوحه‌سرایی و گریه می‌کنند. همچنین در کوچه‌ها و خیابان‌ها، برنامه‌های سینه‌زنی و عزاداری برپا می‌دارند و همه این امور بدعت است.^۳

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه، ج ۱، ص ۵۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۳۴.

۳. محمد بن عبدالوهاب، رساله فی الرد علی الرافضة، ج ۱، ص ۴۷۳.

مستند اتخاذ چنین موضعی از سوی وهابیت و علمای اهل سنت روایاتی است در حرام بودن و از اعمال جاهلیت بودن برپایی مراسم عزاداری، گریه و زاری بر دیگران که در منابع روایی آن‌ها وارد شده است، مانند:

«إِنَّ الْمَيِّتَ لَيُعَذَّبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ»^۱.

مرده، به سبب گریه خانواده‌اش بر او دچار عذاب می‌گردد. این حدیث با نقل‌های متفاوت در منابع دیگر نیز ذکر شده است.^۲

مخالفت با قرآن و عقل، سبب عدم توجه علما به این روایت شده است. یکم مفاد روایات با صریح آیات قرآن کریم در تعارض است؛

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»، هیچ‌کس گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛^۳

«وَأَنْ كَيْسَ لِّلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او

نیست؛^۴

«لَتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى»، هر نفسی در برابر آنچه می‌کوشد جزا داده

شود.^۵

دوم: روایات فوق و مانند آن از نظر عایشه، همسر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نه تنها اعتباری ندارد، بلکه راویان آن نیز دچار فراموشی و اشتباه شده‌اند؛ چنان‌که ابن عباس می‌گوید: «پس از فوت عمر، حدیث «میت با گریه اهلش عذاب می‌شود» را برای عایشه نقل کردم، عایشه گفت: خداوند عمر را رحمت کند! سوگند به خدا که هرگز پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، چنین نفرمود، بلکه پیامبر فرمود: خداوند عذاب کافر را با گریه بستگانش زیادتر می‌کند، آنگاه گفت بیان قرآن، شما را در این باره کفایت می‌کند که فرمود: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»؛ پس از آن ابن عباس بر این جمله تأکید کرد و گفت خداوند می‌خنداند و

۱. نسائی، احمد بن شعب، السنن الصغری، ج ۴، ص ۱۷.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، ج ۲، ص ۷۹؛ مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۹.

۳. فاطر، آیه ۱۸.

۴. نجم، آیه ۳۹.

۵. طه، آیه ۱۵.

می‌گریاند.^۱

نمونه دیگر روایتی است از پیامبر اسلام:

«إن رسول الله قال: أربيع في أمتي من أمر الجاهلية لا يتركونهن: الفخر بالاحتساب، والطعن في الأنساب، والاستسقاء بالنجوم، و النياحة».

چهار صفت از صفات جاهلیت در امت من است که آن‌ها را ترک نمی‌شوند: مباحات به گذشتگان، عیب و ایراد گرفتن به آبا و اجداد، طلب باران بر مبنای نجوم و ستارگان و عزاداری برای مردگان.^۲ سپس در تفسیر کلمه «النياحة» گفته‌اند:

النياحة، أي رفع الصوت بالندب على الميت... و ذلك ينافي

في الصبر الواجب وهي من الكبائر لشدة الوعيد و العقوبة عليها؛

نياحه، یعنی صدا را بر مرده‌ای به نوحه‌سرایبی و موییدن بلند کردن... که این نوع عزاداری با صبر - که لازمه هر مصیبتی است - منافات دارد و به جهت بسیار عذاب و عقوبتی که بر آن مترتب است، جزء گناهان کبیره می‌باشد. ابوموسی اشعری (متوفی ۵۲ ق) از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: آن‌که در هنگام مصیبت، صورت را بخراشد و دامن‌چاک دهد و به سبک جاهلیت زاری کند از ما نیست.

«عن أبي موسى: إن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال

ليس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب و دعى بدعو الجاهلية».

ابن قدامه (۶۲۰-۵۴۱ ق) می‌افزاید: از این حدیث نیز مطالبی که قبلاً بیان کردیم به دست می‌آید و معلوم می‌شود عزاداری به چه صورت حرام است و اگر سوگواری مطابق فطرت و عطوفت انسانی باشد و از حریم عقل و شرع بیرون نرود اشکالی ندارد.^۳

۱ . احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۴۱؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۹۹. گرچه تشدید عذاب کافر هم قابل تأیید نیست.

۲ . آل‌الشیخ، فتح‌المجید شرح کتاب التوحید، ص ۱۵۴.

۳ . ابن قدامه، المغنی، ج ۲، ص ۳۸۳.

صرف نظر از بررسی سندی روایات، با توجه به سیره صحابه در گریه و عزاداری به خوبی روشن است که مصادیق روایات، نوعی نوحه‌گری بود که به عنوان شغل و حرفه استمرار یافته از دوران جاهلی، زنان در منزل مصیبت دیده جمع شده به صورت‌های خاصی عزاداری می‌کردند. عملکرد و رفتار نامناسب این زنان سبب شد پیامبر ما را از شیوه کردن به شیوه آنان نهی کند و گرنه نفس عزاداری از دید اسلام هیچ اشکالی ندارد و اگر صرفاً جنبه عاطفی و فطری گریه و عزاداری مورد دقت قرار گیرد نه تنها منهی نبوده بلکه به دفعات از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و صحابه مشاهده شده است.^۱

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دست عبدالرحمان بن عوف را گرفته و با وی بر بالین پسرش ابراهیم آمد و او را که در حال جان سپردن بود در بر گرفت و بر دامن نهاد و گریستن آغازید. عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا گریه می‌کنی؟ مگر شما نبودید که از گریه کردن بازمی‌داشتی؟ فرمود: «نه، من از فغان و فریاد دو گروه احمق و سفیه گناهکار بازداشتیم: آنان که هنگام مصیبت چهره می‌خراشند و گریبان می‌درند و ناله‌های شیطانی سر می‌دهند».^۲

در همین راستا و در نقد اعتقاد وهابیت، روایات بسیاری در منابع اهل سنت از سیره عملی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وجود دارد که تصریح بر گریه و اشک ریختن وجود نازنین مرسل اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دارد که بیان‌گر ایجاد سنت اولین عزاداری در اسلام است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

دیدگاه دانشمندان اهل سنت

در بخش از نوشتار نگرش‌های اندیشمندان متفکر و مورخان اهل سنت در مورد سیره عملی ایشان در عزاداری، گریه و نوحه‌گری بر حضرت حمزه سیدالشهدا (علیه‌السلام) به عنوان حجت شرعی بررسی می‌گردد تا رهیافتی بر حقایق سنت عزاداری باشد.

در جنگ أحد خبر شهادت حمزه عموی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تأثیری

۱. ر.ک. تحلیلی نو بر عقائد وهابیان، محمدحسین ابراهیمی.

۲. سنن ترمذی، کتاب الجنائز باب الرخصة فی البكاء علی المیت، ج ۲، ص ۲۲۶.

شگرف بر قلب و روح آن حضرت گذاشت، زیرا یکی از بزرگ‌ترین مدافعان مکتب توحید و حامیان راستین خویش را از دست داده بود. بنابراین، واکنش فرستاده حق و پیامبر بزرگ الهی در مقابل این حادثه دردناک سرمشقی جاودانه برای پیروان او خواهد شد.

محمد بن حسن شیبانی (۱۸۹-۱۳۱)

از فقهای برجسته اهل سنت در قرن دوم هجری و از شاگردان ابوحنیفه (۱۵۰-۸۰ ق) و مالک بن انس (۱۷۹-۹۳ ق) بود. او با دربار عباسی (۶۵۶-۱۳۲ ق) و هارون الرشید (۱۹۳-۱۴۵ ق) ارتباط حسنه‌ای داشت و مدتی عهده‌دار منصب قضا در رقه شد. می‌توان گفت علمای مذهب ابوحنیفه را بیشتر، از محمد بن حسن آموختند تا از ابوحنیفه؛ زیرا از مذهب حنفی تنها کتاب‌های محمد بن حسن باقی مانده و همین آثار، مستند آن‌ها در مورد مذهب ابوحنیفه است.^۱

«روی أن رسول الله مر ببنى عبد الأشهل وهم يندبون قتلاهم يوم أحد، فقال: لكن حمزة لا بواكى له ... و ذكر فى المغازى: أن سعد بن معاذ رضى الله عنه لما سمع ذلك من رسول الله صلى الله عليه وسلم جمع نساء قومه، و كذلك سعد بن عبادة، و كذلك معاذ بن جبل، فجاء كل فريق إلى باب بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يندبون حمزة رضى الله عنه، فستأنس رسول الله صلى الله عليه وسلم بيكائهم حتى نام. ومن ذلك الوقت جرى الرسم بالمدينة أنه إذا مات منهم ميت يبدءون بالبكاء لحمزة رضى الله عنه».^۲

وی در کتابش «السير الکبیر» می‌نگارد: پیغمبر اکرم بعد از قضیه شهدای احد مشاهده کردند که هرکدام از شهدا گریه‌کن دارد، اما «حمزه» گریه‌کنی نداشت تا برای او گریه کند به همین خاطر فرمودند: «لکن حمزة لا بواكى له».

۱. ترمذینی، عبدالسلام، رویدادهای تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲. شیبانی، محمد بن حسن، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱ ص ۱۰۹-۱۰۸، باب البكاء علی القتلی.

بعدازاین فرمایش پیغمبر اکرم زنان جمع شدند و برای حمزه عزاداری کردند. اهم نکاتی که در نقل او مورد دقت است تصریح به «جری الرسم بالمدينة» یعنی بعدازآن در مدینه رسم شد که هرکسی عزیز خود را از دست می‌داد ابتدا برای حمزه عزاداری می‌کرد و بعد برای عزیز خودشان عزاداری می‌کردند.

محمد بن عمر واقدی (۲۰۷-۱۳۰)

واقدی از مورخان قرن دوم و مهم‌ترین مغازی نگار و پایه‌گذار این دانش قرن دوم هجری به شمار می‌آید. او به تحقیق گسترده درباره مغازی رسول الله پرداخت و اثر جاودانه «المغازی» را نوشت که بنیادی برای شناخت سیره نبوی و تاریخ جنگ‌هایی است که در دوران مدنی اتفاق افتاد.^۱

او به نقل از ام سعد بن معاذ بیان می‌دارد بر اینکه تا زمان ما این رویه ادامه دارد که ابتدا برای حمزه و سپس برای کشته‌های خود عزاداری کنند. در ادامه نقل معروف «لکن حمزۀ لا بواکی له» می‌نویسد: سعد بن معاذ، پیامبر را تا منزلشان همراهی می‌کند، سپس برمی‌گردد و همه زنان همراه می‌کنند تا همگی در خانه رسول خدا جمع شده و بین مغرب و عشا گریه کنند. شب‌هنگام رسول خدا از خواب بیدار می‌شوند و سؤال می‌کنند از صدای گریه، جواب داده می‌شود که: «نساء الأنصار یبکین علی حمزۀ» زنان انصار هستند که بر حمزه گریه می‌کنند، پس رسول خدا برای آنان دعا می‌کنند: «رضی الله عنکمْ و عن أولادکمْ»، سپس می‌خواهند که زنان به خانه‌هایشان برگردند، مادر سعد بن معاذ چنین می‌گوید: «فرجعنا إلی بیوتنا بعد لیل، معنا رجالنا، فما بکت منا امرأة قطّ إلی بدأت بحمزه إلی یومنا هذا».^۲

بیان بی‌تکلف واقدی در استمرار عزاداری بر حمزه تا ابتدای قرن سوم برای موشکافی و تحلیل مسئله پراهمیت است. «فلم یزلن یبدأن بالندب لحمزه حتی

۱ . رک. جعفریان رسول، واقدی بزرگ‌ترین متخصص در تاریخ غزوات رسول (صلی الله علیه وآله)».

۲ . واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۷.

الآن»^۱.

ابن هشام الحمیری (م ۲۱۸)

ابومحمد عبدالملک ابن هشام محدث، مورخ، ادیب، نسب‌شناس و تدوین‌کننده مشهورترین کتاب درباره سیره پیامبر است.^۲ کتاب «السیره النبویة» که معمولاً سیره ابن هشام نیز خوانده می‌شود^۳ یکی از منابع مهم قدیمی است که در سیره و مغازی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از اعتبار و شهرت زیادی برخوردار است.^۴

«ومر رسول الله صلى الله عليه وسلم بدار من دور الأنصار من بنى عبد الأشهل وظفر، فسمع البكاء والنوائح على قتلاهم، فذرفت عينا رسول الله صلى الله عليه وسلم، فبكى، ثم قال: لكن حمزة لا بواكى له! فلما رجع سعد بن معاذ وأسيد بن حضير إلى دار بنى عبد الأشهل أمرا نساءهم أن يتحزمن، ثم يذهبن فيبكين على عم رسول الله صلى الله عليه وسلم. قال ابن إسحاق: حدثني حكيم بن حكيم بن عباد بن حنيف، عن بعض رجال بنى عبد الأشهل، قال: لما سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم بكاءهن على حمزة خرج عليهن وهن على باب مسجده يبكين عليه، فقال: ارجعن يرحمك الله، فقد آسيتن بأنفسكن»^۵.

این روایات و گزارش‌ها نشان می‌دهد که گریه و عزاداری بر شهدای راه خدا

۱. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۲، ص ۴۸.

۲. مؤذن جامی، محمد مهدی، ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۱۰.

۳. علی بن یوسف قفطی، انباء الرواة، ج ۲، ص ۲۱۲؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۱۷۷؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۴۲۹؛ زرکلی، الاعلام قاموس تراجم، ج ۴، ص ۱۶۶.

۵. ابن هشام، سیره النبویة، ج ۳، ص ۶۱۳.

موضوعیت دارد، و باید یاد و نام آن‌ها گرامی داشته شود. ابن هشام می‌نویسد: پس از حادثه احد شعرای فراوانی برای شهیدان به‌ویژه سالار شهیدان حمزه مرثیه سرودند، مانند حسّان بن ثابت (متوفی ۵۴ق)،^۱ کعب بن مالک (متوفی ۵۰ق)،^۲ عبدالله بن رواحه (متوفی ۸ق)، ضرار بن خطاب (متوفی ۱۳ق)، صفیه خواهر حمزه (متوفی ۲۰ق).^۳

محمد بن سعد (۲۳۰-۱۶۸)

از دیدگاه ابن سعد، بعد از سخن پیامبر «لکن حمزه لایواکی له» کسانی که آن را شنیده بودند قبل از گریه بر هر شهیدی اوّل برای حضرت حمزه (علیه‌السلام) عزاداری می‌کردند:

«فلم تبک امرأه من الأنصار علی میت بعد قول رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلّم لکن حمزه لایواکی له إلی الیوم إلیا
بدأت البکاء علی حمزه».

هیچ زنی از انصار بعد از شنیدن فرمایش رسول خدا که عموم حمزه گریه‌کن ندارد، بر مرده‌ای گریه نمی‌کرد، مگر این‌که اول برای حمزه عزاداری می‌کرد.^۴
«فهن إلی الیوم إذا مات المیت من الأنصار بدأ النساء فبکین علی
حمزه ثم بکین علی میتهن».^۵

ابوعبدالله محمد بن سعد، مشهور به کاتب واقدی، مورخ و سیره‌نویس مشهور بغداد و مؤلف کتاب «الطبقات الکبری» می‌باشد.^۶ او تأکید دارد که از آن روز به

۱. همان، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۶۶.

۳. همان، ص ۱۷۳ - ۱۶۷.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، طبقات البدرین، الطبقة الاولى - حمزه - ح ۲۶۵۵.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۴.

۶. گلشنی، عبدالکریم، ابن سعد، ابوعبدالله، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۰۹.

بعد است که زنان انصار ابتدا برای حمزه و سپس برای کشته خود گریه می‌کنند.

احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴)

از عالمان بزرگ بغداد، آخرین^۱ امام فقهی اهل سنت^۲ و پیشوای مذهب حنبلی است.^۳ احمد بن حنبل از محدثان بزرگ^۴ و از پیروان اصحاب حدیث بود. وی در در جمع‌آوری و حفظ روایات تلاش فراوانی کرد^۵ از این‌رو او را در این امر بی‌مانند دانسته^۶ و عده‌ای او را حافظ یک میلیون حدیث می‌دانند؛^۷ به همین جهت او را امام محدثین نیز خوانده‌اند.^۸ وی را نویسنده کتاب‌های متعددی دانسته‌اند که که مشهورترین آن‌ها مسند او است.^۹

احمد بن حنبل از ابن عمر روایت نموده:

«عن ابن عمر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما رجع من أحد فجعلت نساء الأنصار يبكين على من قتل من أرواجهن قال: فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ولكن حمزه لا بواكي له، قال: ثم نام فاستنبه وهن يبكين».^{۱۰}

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چون از أحد بازگشت زنان انصار را مشاهده

۱. ابن خلکان، وفيات الأعيان، ج ۱، ص ۶۴؛ سید علی شهرستانی، وضوء النبی، ج ۱، ص ۴۰۸.
۲. شهرستانی، سید علی، وضوء النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ج ۱، ص ۴۰۸.
۳. سمعانی، الأنساب، ج ۴، ص ۲۸۰؛ جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۸۸.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، ص ۱۴۱.
۵. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، ص ۸۵.
۶. ابن خلکان، وفيات الأعيان، ج ۱، ص ۶۴.
۷. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۶۷.
۸. سمعانی، الأنساب، ج ۴، ص ۲۸۰؛ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، ص ۸۵.
۹. سبحانی، جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۹۰.
۱۰. ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۴، ص ۵۵.

نمود که بر کشته‌های خود گریه می‌کنند. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: حمزه گریه‌گن ندارد. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بعد از مقداری استراحت متوجه شدند که زن‌ها برای حمزه گریه می‌کنند.

او که متوفای نیمه قرن سوم است اظهار می‌دارد: در عصر ما بعد از گذشتن سه قرن زنان انصار، مهاجرین، زنان تابعین، اتباع تابعین و بعد از آن یک سیره ثابت ایجاد شد که وقتی می‌خواستند عزاداری کنند ابتدا برای حمزه و بعد برای عزیز خودشان عزاداری می‌کردند.^۱

محمد بن جریر طبری (۳۱۰-۲۲۴)

مورخ، مفسر قرآن و فیلسوف ایرانی مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است.^۲ کتاب مشهور او «تاریخ الامم و الرسل و الملوک» معروف به تاریخ طبری است یکی از مهم‌ترین منابع مطالعاتی تاریخ اسلام است.^۳ اما اصل جریان گریه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر حمزه از اینجا آغاز شد که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بازگشت از أحد صدای گریه را از خانه‌های مردم مدینه بر شهدا شنید:

«ومر رسول الله صلی الله علیه وسلم بدار من دور الأنصار من بنی عبد الأشهل وبنی ظفر فسمع البكاء والنوائح علی قتلاهم فذرفت عینا رسول الله صلی الله علیه وسلم فبکی ثم قال لکن حمزه لا بواکی له فلما رجع سعد بن معاذ وأسید بن حضیر الی دار بنی عبد الأشهل أمرا نساءهم أن یتحزمن ثم یدهبن فیبکین علی عم رسول الله صلی الله علیه وسلم».

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۹، ص ۳۸. در همین کتاب دو نقل مشابه دیگری وجود دارد (حدیث ۵۵۶۳ و ۵۶۶۶) که انتهای آن فقره‌ای مبنی بر نهی زنان از نوحه‌گری خاصی می‌باشد که در بخش شبهه شناسی بدان اشاره شد، همچنین با صدر روایت (حمزه گریه‌گن ندارد) و کثرت روایات جواز، تضاد مشهودی دارد.

۲. ر.ک. عروج نیا، پروانه، طبری پدر علم تفسیر و تاریخ.

۳. آئینه‌وند، صادق، مکتب تاریخ‌نگاری طبری؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ص ۱۱۳.

رسول خدا از کنار خانه‌هایی از أنصار (بنی عبد الأشهل و بنی ظفر) عبور می‌کردند که صدای بکا و نوحه بر کشتگان خودشان را شنیدند. چشمان رسول خدا پر از اشک شد و فرمود: عموم حمزه گریه کن ندارد. و چون سعد بن معاذ و أسید بن حضیر به خانه‌های بنی عبد الأشهل بازگشتند زانیشان را امر کردند تا غم و اندوه خود را در سینه‌ها حبس کنند و ابتدا برای عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عزاداری کنند.^۱

محمد بن حَبَّان بُستی (۳۵۴-۲۷۰)

ابن حَبَّان محدث، فقیه شافعی، مورخ و لغوی برجسته^۲ ایرانی-سجستانی بود.^۳ دارای تصنیفات عدیده‌ای بوده که خطیب بغدادی متجاوز از ۴۰ کتاب او را نام برده^۴ اما بیشتر آثار وی از میان رفت و جز اندکی از آثار او در دست نیست. مهم‌ترین اثرش «التقات» کتابی است در موضوع علم رجال و به توثیق برخی از صحابه و تابعین پرداخته است.^۵ در اثرش چنین آورده است:

«ثُمَّ قَدِمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ بِمَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَمَرَّ بَدَارَ مَنْ دُورِ الْأَنْصَارِ فَسَمِعَ الْبِكَاءَ عَلَيَّ قَتْلَهُمْ فَقَالَ لَكِنَّ حَمَزَةَ لَا بَوَاقِي لَهُ فَلَمَّا سَمِعَ سَعْدَ بْنَ مَعَاذٍ وَأَسِيدَ بْنَ حَضِيرٍ أَمْرًا نَسَاءَ بَنِي عَبْدِ الْأَشْهَلِ أَنْ يَذْهَبْنَ فَيَبْكِينَ عَلَيَّ عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ»^۵.

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۲۱۰؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۶۱۳؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۴، ص ۵۴-۵۵.

۲. محمد ابوشهبه، اعلام المحدثين ص ۳۰۶.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان ج ۱، ص ۶۱۸-۶۱۶.

۴. رفیعی، علی، ابن حیان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۵. ابن حَبَّان، التقات، ج ۱، ص ۲۳۴.

روزی پیامبر اسلام همراه جماعتی از یاران خود وارد مدینه شد و از محله‌های انصار می‌گذشت که از خانه‌ای صدای گریه بر درگذشتگانشان را شنید، در این حال فرمود: (عموی من) حمزه گریه کنی ندارد، با شنیدن این سخنان، زنان انصار بر عموی رسول الله گریستند.

حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱)

محدث، قاضی و تراجم‌نگار شافعی قرن چهارم بود. علت شهرت وی به حاکم، اشتغال او به منصب قضا بود،^۱ گرچه حاکم^۲ از جمله القابی بوده است که محدثان آن را برای کسانی به کار می‌برده‌اند که به جمیع احادیث، از حیث متن و سند و جرح و تعدیل و تاریخ، احاطه داشته باشد.^۳

او کتاب‌هایی تألیف کرد که موجود نیستند و فقط نقل قول‌هایی از آن‌ها در متون بعدی باقی مانده است، از آثار موجود حاکم، کتاب «المستدرک علی الصحیحین»، مهم‌ترین و مشهورترین اثر حدیثی اوست. وی در این کتاب کوشیده است احادیثی را گرد آورد که شرایط صحت احادیث موجود در صحیحین را دارند، اما در آن دو کتاب نقل نشده‌اند.^۴

در راستای عنوان مزبور اشاره می‌دارد: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از کنار خانه‌هایی از انصار (بنی عبد الأشهل و بنی ظفر) عبور می‌کردند که صدای بکا و نوحه بر کشتگان خودشان را شنیدند. چشمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پر از اشک شد و فرمود: عمویم حمزه گریه کن ندارد. و چون سعد بن معاذ و أسید بن حضیر به خانه‌های بنی عبد الأشهل بازگشتند زنانشان را امر کردند تا غم و اندوه خود را در سینه‌ها حبس کنند و ابتدا برای عموی رسول خدا

۱. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۲۸۱.

۲. قاری، شرح نخبه‌الفکر فی مصطلحات اهل الاثر، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. احمد بلال، السراج المنیر فی القاب المحدثین، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۶۰.

۴. باغستانی، اسماعیل، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۵۷۳۰.

(صلی الله علیه وآله) عزاداری کنند.^۱

«أخبرنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماك ثنا الحسن بن مكرم ثنا عثمان بن عمر ثنا أسامة بن يزيد حدثني الزهري عن أنس بن مالك قال : لما رجع رسول الله صلى الله عليه و سلم من أحد سمع نساء الأنصار يبكين فقال: لكن حمزة لا بواكي فبلغ ذلك نساء الأنصار فبكين لحمزة فنام رسول الله صلى الله عليه و سلم ثم استيقظ و هن يبكين فقال : يا ويحهن ما زلنا يبكين منذ اليوم فليستكنن و لا يبكين على هالك بعد اليوم. هذا حديث صحيح على شرط مسلم و لم يخرجاه و هو أشهر حديث بالمدينة فإن نساء المدينة لا يندبن موتاهن حتى يندبن حمزة و إلى يومنا هذا»^۲.

محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری می گوید: این روایت طبق نظر مسلم صحیح است ولی بخاری و مسلم آن را نیاورده‌اند و این مشهورترین حدیث مدینه است! و زنان مدینه تا امروز هیچ یک از آنان برای مرده خویش گریه نمی‌کنند مگر اینکه اول برای حمزه گریه کنند!

ابن عبد البر (۴۶۳-۳۶۸)

فقیه، محدث، تاریخ‌نگار و ادیب اندلسی است.^۳ چندین اثر علمی به او منتسب است^۴ اما شهرت اصلی او به خاطر تألیف کتاب «الاستیعاب فی معرفه

۱ . حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین - کتاب الجنائز - البكاء علی المیت - ح ۱۳۳۹ (با تصریح بر صحت حدیث).

۲ . حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۵۳۷.

۳ . گذشته، ناصر، ابن عبد البر، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۱۴۷۱.

۴ . ابن سعید مغربی، المغرب فی حلی المغرب، ج ۲، ص ۴۰۷.

الاصحاب» بوده است.

«لما رأى النبي حمزة قتيلا بكى فلما ما مثل به شهق ...
وقف رسول الله على حمزة وقد قتل ومثل به فلم يرى منظرا كان
أوجع لقلبه منه فقال رحمك الله أي عم فلقد كنت وصولا للرحم
فعولا للخيرات فوالله لان اظفرني الله بقوم لأمتان بسبعين منهم
قال فما برح حتى نزلت (وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به
ولئن صبرتم لهو خير للصابرين) فقال رسول الله بل نصبر وكفر
عن يمينه ... لم تيك امرأة من الأنصار على ميت بعد قول رسول
الله لكن حمزة لا بواكي له إلى اليوم الا بدأت بالبكاء على حمزة
ثم بكت ميتها»^۱.

ابن عبد البر از تعبیر «شهق» برای گریه جانکاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تعبیر می کند. شهق صدای جانکاه و ناله بسیار بلند را گویند: «والشَّهْقُ: كَالصَّيْحَةِ، يُقَالُ: شَهَقَ فُلَانٌ وَشَهَقَ شَهْقَهُ فَمَاتَ»^۲. تصدیق وی همانند دیگر دانشمندان یاد شده به تداوم عزاداری بر حمزه با گزاره «إلى اليوم» آشکارگویی است بر مشروعیت عزاداری در اسلام.

عزالدين ابن اثير (۶۳۰-۵۵۵)

محدث و تاریخ‌نگار گُردزاده جزیر (منطقه‌ای بین کردستان ترکیه و سوریه امروز) بود. وی در اثر معروفش «اسد الغابه» از جابر چنین نقل کرده است:

«لما رأى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حمزة قتيلا بكى، فلما رأى ما مثل به شهق ... لما سمع النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما فعل بحمزة شهق، فلما رأى ما فعل به صعق. ولما عاد النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إلى المدينة سمع النوح على قتلى الأنصار، قال: لكن حمزة لا بواكي له. فسمع الأنصار فأمرُوا نساءهم أن

۱. ابن عبد البر، الاستيعاب، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۲.

یندین حمزه قبل قتلاهم، ففعلن ذلك قال الواقدي: فلم يزلن
يبدأن بالندب لحمزه حتى الآن!»^۱

گزارش او نیز مانند سایرین به نکته گریه جانکاه پیامبر اسلام، درخواست بر
گریه حمزه، استمرار عزاداری بر حمزه با نقل دیدگاه واقدی تصریح دارد.

محب الدین طبری (۶۹۴-۶۱۵)

أحمد بن عبدالله بن محمد مشهور به محب الدین طبری در مکه زیست و به
عنوان شیخ حرم و محدث حجاز مطرح گشت. وی مذهب شافعی داشت و شیخ
شافعیان در حجاز و معتقد به عقاید اهل سنت و جماعت بود و در علم فقه و
حدیث سرآمد دیگران بود.^۲ تألیفات بسیاری دارد^۳ از جمله اثری یک جلدی
«ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» که در آن احوال و مناقب فرزندان،
عموزادگان و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) گردآوری شده است. این اثر از
این لحاظ که مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه علی (علیه السلام) و فاطمه
زهرا (س) را از منابع اهل سنت گردآوری نموده، حائز اهمیت است.^۴
این گریه و ناله از سوی آن حضرت برای عزای عمویش حمزه آن قدر شدید
بوده است که ابن مسعود می گوید:

«وعن عبدالله بن مسعود قال ما رأينا رسول الله صلى الله عليه
وسلم باكيا قط أشد من بكائه على حمزة بن عبدالمطلب لما قتل
... ووضعه في القبلة ثم وقف صلى الله عليه وسلم على جنازته
وانتحب حتى نشغ من البكاء يقول يا حمزة يا عم رسول الله
وأسد الله وأسد رسوله يا حمزة يا فاعل الخيرات يا حمزة يا
كاشف الكربات يا حمزة يا ذاب عن وجه رسول الله قال وطال

۱. ابن اثیر، اسد الغابۀ، ج ۲، ص ۶۷.

۲. تقی الدین سبکی، طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۸، ص ۱۸.

۳. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

۴. ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۷، ص ۷۷۴.

بكاؤه قال فدعا برجل رجل حتى صلى عليه سبعين صلاة
وحمزؤه على حالته»^۱.

ندیدیم پیامبر بر کسی گریه کند، آن‌گونه که با شدت در شهادت عمویش حمزه اشک می‌ریخت، بدن حمزه را به طرف قبله قرار داد، سپس کنار آن قرار گرفته و با صدای بلند گریه کرد تا حال غش به آن حضرت دست داد، و خطاب به جسد عمویش می‌فرمود: ای عموی پیامبر خدا، ای حمزه! ای شیر خدا و شیر پیامبر خدا، ای حمزه! ای کسی که کارهای نیکو انجام می‌دادی، ای حمزه! ای کسی که سختی‌ها و مشکلات را برطرف می‌کردی، ای حمزه! ای کسی که سختی‌ها را از رسول خدا دور می‌کردی.

ابن کثیر دمشقی (۷۷۴-۷۰۱)

مفسر، مورخ، محدث و از اکابر و مشاهیر علمای قرن هشتم بود. فقه و اصول و حدیث و تاریخ و دیگر علوم متداول را از ابن تیمیه و ابن عساکر و دیگران تکمیل نمود، تا در سن جوانی به معاصرین خود تقدم یافت، تألیفاتش نیز، در حال حیات خودش منتشر و محل استفاده افاضل وقت شد.^۲ مهم‌ترین اثرش «البدایه و النهایه» است.

ابن کثیر به نقل از احمد بن حنبل می‌گوید: تا به امروز زنان انصار پیش از گریه بر مردگان خویش، نخست بر حمزه می‌گریند.
«قال فهن الیوم إذا بیکین یندبن بحمزؤه».
از آن روز تاکنون زنان ابتدا برای حمزه و سپس برای کشته‌های خود عزاداری می‌کنند.

ابن کثیر بعد از نقل این خبر این‌گونه نظر می‌دهد:
«وهذا علی شرط مسلم».

۱ . محب الدین الطبری، ذخائر العقبی، ص ۱۸۱.

۲ . رحیم‌لو، یوسف، ابن کثیر، عمادالدین، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۱۶۷۳.

این روایت شرط صحت را بر اساس قواعد مسلم را دارد.^۱

نورالدین هیثمی (۸۰۴-۷۳۵)

او از محدثان، صحابه شناسان، سیره نویسان، و مورخان ممتاز اهل سنت به شمار می‌رود که کتاب‌های بزرگی را تدوین کرده است که مورد توجه همگان قرار گرفته است. از لحاظ مذهب فقهی پیرو فقه شافعی بود و از لحاظ اعتقادی گرایش شدیدی به عقاید اشعری داشت. او را به تقوا، زهد و عبادت، توصیف کرده‌اند. او کتاب‌های فراوانی در زمینه حدیث تألیف و تدوین کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها «مجمع الزوائد و منبع الفوائد» می‌باشد.

وی در کتابش پس از بیان درخواست رسول الله از مردم بر سوگواری حضرت حمزه سیدالشهدا می‌گوید:

«فلم تبک امرأه من الأنصار علی میت بعد قول رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم لکن حمزه لا بواکی له إلی الیوم إلاً
بدأت البکاء علی حمزه».^۲

از آن به بعد کسانی که سخن پیامبر را شنیده بودند قبل از گریه بر هر شهیدی اوّل برای حمزه عزاداری می‌کردند و هیچ زنی از انصار بعد از شنیدن فرمایش رسول خدا که عمویم حمزه گریه کن ندارد، بر مُرده‌ای گریه نمی‌کرد، مگر این که اوّل برای حمزه عزاداری می‌کرد.

علی بن ابراهیم حلبی (۱۰۴۴-۹۷۵)

حلبی مورخ، ادیب، فقیه و عالم علوم عقلی و نقلی و خصوصاً حدیث و تفسیر و تصوف در سده یازدهم است،^۳ وی دارای رتبه اجتهاد در مذهب و مجوز

۱. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۵۵.

۲. مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۲۶.

۳. جعفری، کریم، حلبی، نورالدین، دانشنامه جهان اسلام، شماره ۶۴۵۶.

صدور فتوا^۱ و از استادان و مشایخ مدرسه صلاحیه مصر بود. دارای پنجاه تألیف در علوم گوناگون^۲ که مشهورترین اثرش «انسان‌العیون فی سیره‌الأمین المأمون»، مشهور به «السیره‌الحلبیه»، است.^۳ این کتاب در زمان تألیف برای حلبی شهرت بسیاری به همراه آورد و از آن استقبال فراوان شد.^۴

حلبی در کتاب خود می‌نویسد:

«لَمَّا رَأَى النَّبِيَّ حَمْزَةَ قَتِيلًا، بَكَى فَلَمَّا رَأَى مَا مِثْلَ بِهِ شَهَقَ».

پیامبر چون پیکر خونین حمزه را یافت گریست و چون از مثله کردن او آگاهی یافت با صدای بلند گریه سر داد.^۵

«ما رأينا رسول الله صلى الله عليه وسلم با کیا أشد من بكائه
على حمزة رضي الله تعالى عنه ، وضعه في القبلة ، ثم وقف
على جنازته ، وانتحب حتى نشق - أي شهق - حتى بلغ به
الغشى ، يقول : يا عم رسول الله ، وأسد الله ، وأسد رسول الله ، يا
حمزة، يا فاعل الخيرات ، يا حمزة».^۶

همچنین می‌نویسد: ما از پیامبر گریه‌ای شدیدتر بر حمزه ندیدیم، گریه‌ای که منجر به بیهوشی ایشان شد.

۱ . محبی، خلاصه‌الاثر، ج ۳، ص ۱۲۲.

۲ . یوسف الیان سرکیس، معجم‌المطبوعات العربیة‌والمعربة، ج ۱، ستون ۷۸۷.

۳ . عباس قمی، هدیة‌الاحباب، ص ۱۴۳.

۴ . محبی، خلاصه‌الاثر، ج ۳، ص ۱۲۳.

۵ . حلبی، السیره‌الحلبیه، ج ۲، ص ۲۴۷؛ حاکم‌النیشابوری، مستدرک‌الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۷؛ ابن

الأثیر، أسد‌الغابه، ج ۲، ص ۴۸؛ هیثمی، مجمع‌الزوائد، ج ۶، ص ۱۱۹؛ طبرانی، المعجم‌الكبیر، ج ۳، ص ۱۴۲؛ متقی‌الهندی، كنز‌العمال، ج ۱۳، ص ۳۳۳؛ ابن‌عدی، الكامل، ج ۶، ص ۴۱۰؛ ابن‌حجر، لسان‌المیزان، ج ۶، ص ۸۱؛ الطبری، ذخائر‌العقبی، ص ۱۸۰.

۶ . حلبی، السیره‌الحلبیه، ج ۲، ص ۵۳۴ و رجوع شود به: ملاعلی قاری، شرح‌مسند‌أبو‌حنیفه، محب‌الدین طبری، ذخائر‌العقبی، ص ۱۸۱.

تحلیل و بررسی

با بررسی و مقایسه دیدگاه‌های دانشمندان با یکدیگر در نقل جریان گریه و عزاداری پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر حضرت حمزه سیدالشهدا نکات تحلیلی ارزشمندی حاصل می‌شود که با طرح مقدمات و فرضیه‌های پذیرفته شده نزد عده‌ای که در جواز عزاداری شیعیان شبهه می‌کنند، می‌توان جواز عزاداری بر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و شهدای کربلا را حتی باگذشت قرن‌ها اثبات نمود.

یک. سنت نبوی به معنای قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام، به اجماع مسلمانان حجت است و به عنوان یکی از منابع اجتهاد شناخته می‌شود. حتی نزد برخی از علمای اهل سنت، «سنت صحابه غیر معصوم» همچون سنت پیامبر حجت است^۱ و معتقدند هر کس اطلاق نام صحابی بر او صحیح باشد، عادل است.^۲ پس با توجه به فرمایش قرآن مجید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۳ و نیز «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۴ واکنش فرستاده حق و پیامبر بزرگ الهی در مقابل این حادثه دردناک سرمشقی جاودانه برای پیروان او خواهد بود.

دو. سیره عملی آن حضرت در اقامه عزاداری و گریه در شهادت عمویش حمزه به شرح بسیاری از دانشمندان اهل سنت رسیده و تصدیق گردید، برخی از جنبه‌های عزاداری پیامبر اسلام بر حضرت حمزه که از روایات مذکور به دست می‌آید بدین گونه هست:

اشک ریختن: «فَدَرَفَتْ عَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَبَكَى»؛

درخواست از دیگران برای گریه: «لَكِنَّ حَمْزَةَ لَا يُوَاكِي لَه»؛

فریاد و گریه با صدای بسیار بلند: «فَلَمَّا رَأَى مَا مَثَلُ بِهِ شَهَقَ»؛

نوحه سرایی: «يَا حَمْزَةُ يَا فَاعِلَ الْخَيْرَاتِ يَا حَمْزَةَ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ ...»؛

۱. به عنوان نمونه: شاطبی، الموافقات، ج ۴، ص ۷۴.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۱۶۲.

۳. سوره حشر، آیه ۷.

۴. سوره احزاب، آیه ۲۱.

بکا در حد اغما و بیهوشی: «حتی نشغ من البكاء»؛ نشغ یعنی گریه به همراه فریادی که منجر به بی‌هوشی می‌گردد، این منظور در بیان معنی لغوی نشغ می‌نویسد: «وَالنَّشْغُ: الشَّهيقُ حَتَّى يَكَادُ يَبْلُغُ بِهِ الغَشْيُ»^۱. آرامش یافتن پس از عزاداری عمومی: «فَسْتَأْنِسُ رَسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبِكَائِهِمْ حَتَّى تَأْمَ»؛

تشکر و دعا برای عزاداران: «رَجَعْنَ بِرَحْمَتِ اللهِ، فَقَدِ آسَيْتِنَ بِأَنْفُسِكُنَّ». پیامبر اسلام گریه بانوان انصار در عزای جناب حمزه را نوعی مواسات دانسته، آن‌ها را بدین عمل ستوده و برای آن‌ها طلب آمرزش نموده است.^۲

سه. این روایات هم حاکی از حزن و اندوه و بی‌تابی آن حضرت است و هم تأکید و ترغیب به گریه بر حضرت حمزه و استحباب اقامه عزاداری بر آنان است. از سویی دیگر سخنان راویان و دانشمندان برجسته اهل سنت^۳ بیانگر استمرار سیره انصار - از زمان خود حضرت، صحابه و تابعین تا سالیانی دراز - در عزاداری جناب حمزه است که این نیز دلیلی بر رجحان اقامه عزاداری در مصائب گذشته و قدیم برای امثال حضرت حمزه است.

چهار. از اقداماتی که پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حادثه شهادت عمویش نمودند، به‌خوبی روشن است که زنده نگاه‌داشتن یاد و راه شهید، از طریق بیان فضائل و رشادت، و ترویج سنت گریه و عزاداری بر او می‌تواند عامل تأثیرگذاری در پاسداشت مقام شامخ کسی که نشان زرین «سیدالشهدا» را از فرستاده الهی دریافت نموده، باشد.

پنج. عزاداری بر امام حسین (علیه‌السلام) و اصحاب و یاران باوفایش توسط شیعیان تکرار همان سنت رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است، کسی که در راه خدا و برای اصلاح جامعه اسلامی، از جان‌ش گذشت تا عزت مسلمانان را که

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۵۵.

۲. صدری، مهدی، عزاداری رمز محبت، ج ۲، ص ۱۹.

۳. عده‌ای از دانشمندان دیگر اهل سنت نیز پیرامون عزاداری پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر حضرت حمزه سخن به میان آورده‌اند که بنا بر اختصار پژوهش و حصول مطلوب از ذکر آن خودداری شده است.

حق مسلم جامعه اسلامی است، به آن‌ها برگرداند و چهره منفور حاکم ستمگر را به مردم و آیندگان نشان دهد. بنابراین، سیره عملی آن حضرت در اقامه عزاداری و گریه در شهادت عمویش حمزه می‌تواند ملاک مشروعیت عزاداری در شهادت امام حسین (علیه‌السلام) باشد.

شش. قول مدعیانی که گریه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر حضرت حمزه را استثنا می‌دانند قابل‌پذیرش نیست زیرا که مصادیق متعدد گریه‌های پیامبر بر اموات دیگر نیز وجود دارد که این استثنا را بی‌اثر می‌کند مانند: گریه در کنار قبر مادرش آمنه در ابواء،^۱ گریه در مرگ فاطمه بنت اسد،^۲ ابوطالب،^۳ فرزندش ابراهیم،^۴ شهادت زید بن حارث،^۵ جعفر طیار،^۶ عثمان بن مظعون،^۷ شهادت سعد بن ربیع در جنگ احد،^۸ و... از آن‌سو ترویج عزاداری بر حمزه توسط شخص پیامبر در جامعه و استمرار آن تا سالیان سال‌ها توسط عموم مردم و صحابه، جنبه

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۱، ص ۳۵۷؛ ابن شُبّه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. محب‌الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۵۶.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، الصحیح، ج ۲، ص ۸۵؛ مسلم نیشابوری، الصحیح، ج ۴، ص ۱۸۰۸، کتاب الفضائل، باب رحمته بالصبیان؛ ابن عبد ربّه، العقد الفرید، ج ۳، ص ۱۹، کتاب التعزیه؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۶، ش ۱۵۸۹، باب ما جاء فی البكاء علی المیت؛ عبد الرزاق، مصنف، ج ۳، ص ۵۵۲، ش ۶۶۷۲، باب الصبر والبكاء والنیاحه.

۵. قمی، شیخ عباس، فیض القدر، ج ۳، ص ۶۹۵.

۶. ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ابن حجر، الاصابه،

ج ۲، ص ۲۳۸؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۲۰.

۷. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۱، ص ۵۱۴، ش ۱۳۳۴؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۴، ش ۹۸۹، کتاب الجنائز باب ما جاء فی تقبیل المیت؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۴۳، ش ۸۵۵، باب عائشه بنت قدامه بن مظعون الجمحیه؛ سنن البیهقی الکبری، ج ۳، ص ۴۰۷، ش ۶۵۰۳؛ زمخشری، ربیع الأبرار، ج ۴، ص ۱۸۷؛ جامع الأصول، ج ۱۱، ص ۱۰۵.

۸. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱۳، ص ۲۶۹.

بشری و عاطفی گریه بر نزدیکان را رد نموده و وجهه سنت بودن آن را فزونی می‌بخشد (سنت در لغت: دوام و استمرار راه و روش پسندیده یا ناپسندیده با پیروی مردم به گونه‌ای که تبدیل به عادت شود).^۱

در کنار گریه و اشک ریختن به نام عزاداری، هرچند بانگیزه‌های مقدّس، اعمالی مرتکب می‌شوند که شریعت پاک اسلام آن را نمی‌پذیرد، باین‌وجود به اصل متشرع و سنت بودن عزاداری خللی وارد نمی‌شود. شبهاتی که پس از تحلیل روایات و دیدگاه‌های دانشمندان اهل سنت در باب شهادت حضرت حمزه و عزاداری بر آن حضرت نقد و رد شدند بدین قرارند: (۱) جایز نبودن گریه و عزاداری سالانه بر ابا عبدالله الحسین؛ (۲) گریه و عزاداری اعتراض به قضا و قدر الهی است؛ (۳) ترویج غم و اندوه بودن عزاداری؛ (۴) بدعت دانستن عزاداری؛ (۵) گریه بر مرده باعث تشدید عذاب وی در قبر است؛ (۶) گریستن بر مردگان تا مدت طولانی (مرده‌پرستی) برخلاف سنت رسول الله است؛ و...

نتیجه‌گیری

عزاداری یکی از آیین‌های اسلامی برای بزرگداشت یاد افراد می‌باشد که از صدر اسلام رایج بوده است. با توجه به آنچه در این مقاله پیرامون شبهه زدایی عزاداری با تکیه بر سوگواری پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر حمزه سیدالشهدا از منظر اندیشمندان اهل سنت پرداخته شد، می‌توان گفت حضرت حمزه از چهره‌های برجسته و قهرمان اسلام بود که در نبرد احد به شهادت رسید و بنا بر نقل اندیشمندان اهل سنت، شهادت ایشان اندوه بزرگی بر قلب و روح رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برجای گذاشت، زیرا یکی از بزرگ‌ترین مدافعان مکتب توحید و حامیان راستین خویش را از دست داده و این‌چنین بود که او را سیدالشهدا نامیده و در فراقش گریستند و به بانوان مدینه دستور دادند برایش عزاداری کنند. بنابراین تبیین ترویج عزاداری در جامعه آن روزگار توسط پیامبر

۱. معجم مقاییس اللّغه، ج ۳ ص ۶۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۳۸؛ ابن اثیر جزری، النهایه، ج ۲، ص ۴۰۹، راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۲۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳ ص ۲۲۵.

(صلی الله علیه وآله) این گونه خواهد بود که اشک ریختن در مجلس عزای فردی که مظلومانه کشته شده به مثابه ارائه یک اعتقاد است و آن علاوه بر پاسداشت مقام، زنده نگاه داشتن و استمرار راه او می باشد. پیغمبر با آن اجتماعی که از زنان تشکیل دادند، خواستند بگویند که این اشک، اشک بر مظلوم است و توقیر و تکریم مقام مظلومین و آنهایی که مظلومانه در راه خدا کشته می شوند حتی بعد از مرگشان جایز است.

از این روست که اقوال عده ای که گریه پیامبر اسلام را فقط از جنبه عاطفی و بشری نگریسته که در لحظه ابتلا به غم برای نزدیکانش منحصرأ در همان ایام گریه کرده است پس جوازی بر عزاداری اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نخواهد بود! بسیار بی اساس و متزلزل می نمایاند چراکه بر اساس مصادر و دیدگاه های دانشمندان اهل سنت به وضوح ثابت شد که پیامبر اسلام در فقدان حضرت حمزه به تمام معنا عزاداری نموده و این سنت انسانی و دینی در حیات پیامبر (صلی الله علیه وآله) چنان مرسوم و رایج بود که احدی در جواز و استحباب آن شک نکرده حتی اذعان نموده اند که پس از درخواست پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) مردم مدینه بر آن بزرگوار سخت می گریستند و هرگز کسی از اصحاب و پیروان آن حضرت، مردم را نهی نمی کرد. بنابراین شبهه برخی همچون وهابیت که شیعیان را بدعت گذار در زمینه عزاداری و گریه بر اموات می دانند رد می شود.

منابع و مأخذ

ابراهیمی، محمدحسین، *تحلیلی نو بر عقائد وهابیان*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش. چاپ پنجم.

ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، *جامع الأصول لأحادیث الرسول*، چاپ عبدالقادر ارناؤوط، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، *النهاية فى غريب الحديث و الأثر*،
محققين: طاهر احمد زاوى و محمود محمد طناحى، قم، اسماعيليان، ١٣٦٧ش.
ابن اثير، عزالدين على بن محمد، *الكامل فى التاريخ*، بيروت، دار صادر،
١٣٨٥ قيا ١٩٦٥ م.

ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، *منهاج السنه النبويه فى نقض كلام الشيعة و
القدرية*، تحقيق: محمد رشاد سالم، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ
اول، ١٤٠٦ق.

ابن حبان بُستى، محمد، *كتاب الثقات*، مؤسسه الكتب الثقافيه، بيروت، ١٤٠٨
ق.

ابن حجر عسقلانى، احمد ، *لسان الميزان*، بيروت، مؤسسه الاعلمى
للمطبوعات، ١٣٩٠ق/١٩٧١م.

ابن حجر عسقلانى، احمد، *الإصابة فى تمييز الصحابه*، تحقيق: عادل أحمد
عبد الموجود وعلى محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ هـ ق، چاپ
اول.

ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٩٩٦/١٤١٦.
ابن خلّكان، احمد بن محمد، *وفيات الاعيان و أنباء أبناء الزمان*، بيروت،
دارالثقافه، ١٣٤٨ ق.

ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)
لاحياء التراث، ١٤١٦ ق.

ابن سعيد، مغربى، على بن موسى، *المغرب فى حلى المغرب*، تحقيق: منصور
خليل، بيروت، دار الكتب العلميه منشورات محمد على بيضون، ١٩٩٧م.

ابن شبّه نمیری، عمر، تاریخ المدینة المنورة، محقق: فهيم محمد شلتوت، قم، دار الفكر، ۱۴۱۰ق.

ابن عبد البر، ابی عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، اردن، دار الاعلام، ۲۰۰۲م.

ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، العقد الفريد، محقق: مفید محمد قمیحه و عبدالمجید ترحینی، لبنان، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۰۷ق یا ۱۹۸۷م.

ابن عدی جرجانی، ابواحمد عبدالله، الكامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، الکتب العلمیة - ۱۴۱۸هـ ۱۹۹۷م. چاپ اول.

ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.

ابن قدامة المقدسی، المغنی، قاهره، مکتبة القاهرة، ۱۳۸۸هـ / ۱۹۶۸م.

ابن کثیر، اسماعیل، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ق

ابن هشام، عبدالملک؛ السیرة النبویة، قاهره، وزاره الاوقاف المجلس الاعلی، ۱۹۹۹م.

ابوشهبه، محمد بن محمد، أعلام المحدثین، قاهره، دارالکتب العربی، بی تا.

آل الشیخ، عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب، فتح المجید شرح کتاب التوحید، قاهره، مطبعة السنة المحمدیة، ۱۳۷۷ق / ۱۹۵۷م. چاپ هفتم.

آئینه‌وند، صادق، مکتب تاریخ نگاری طبری، کیهان اندیشه ۱۳۶۸ شماره ۲۵.

ensani.ir

بخاری، محمد بن إسماعیل، **الصحيح**، محقق: محمد زهير بن ناصر، بيروت، دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

بلال، سعد فهمی احمد، **السراج المنير في ألقاب المحدثين**، رياض، مكتبة التوبة، ۱۴۱۷/۱۹۹۶م.

ترمانینی عبدالسلام، **رویدادهای تاریخ اسلام**، ترجمه: علی اکبر امامی حجتی، مصطفی شفیع، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.

ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

جعفریان، رسول، **واقدي بزرگترین متخصص در تاریخ غزوات رسول (صلى الله عليه وآله)**، وبگاه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ical.ir ۱۳۹۲

جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)**، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق یا ۱۹۸۴ م.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م. چاپ اول.

حلبی، علی بن ابراهیم، **السيرة الحلیة: إنسان العیون فی سيرة الأئمة** **المأمون**، بیروت، دار الکتب العلمیة: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م.

الحموی یاقوت بن عبدالله، **معجم البلدان**، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، cgie.org.ir

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، rch.ac.ir

ذهبی، شمس‌الدین، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق، چاپ سوم.

ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۱ ق.

زرکلی، خیرالدین، *الأعلام قاموس تراجم*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۸۹ م.

زمخشری، محمود بن عمر، *ربیع الأبرار و نصوص الأخبار*، محقق: عبدالامیر مهنا، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق یا ۱۹۹۲ م.

سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب بن تقی‌الدین، *طبقات الشافعیة الكبرى*، قاهره، هاجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان، ۱۴۱۳ ق، چاپ دوم.

سركيس، يوسف اليان، *معجم المطبوعات العربية والمعربة*، قاهره ۱۹۲۸/۱۳۴۶، چاپ افست قم ۱۴۱۰.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الانساب*، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸. شاطبی، ابراهیم بن موسی، *الموافقات*، قاهره، دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م. چاپ اول.

شهرستانی، سید علی، *وضوء النبی*، مؤسسه جواد الائمه (علیه السلام) للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ ق.

شیبانی، محمد بن حسن، *شرح کتاب السیر الكبير*، تحقیق: د. صلاح‌الدین المنجد، معهد المخطوطات - القاهرة.

صدری، مهدی، *عزاداری رمز محبت*، قم، دلیل ما، ۱۳۹۰ ش.

الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، محقق: حبیب الرحمن

- اعاظمی، بیروت، المجلس العلمی، ۱۹۸۳م یا ۱۴۰۳ق.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، معجم الکبیر، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.
- الطبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، مکتبه القدسی، القاهرة، ۱۳۵۶ق.
- عروج نیا، پروانه، طبری پدر علم تفسیر و تاریخ (مروری بر زندگی و آثار محمد بن جریر طبری)، تهران، همشهری، ۱۳۹۰.
- قاری، علی بن سلطان محمد، شرح نخبه الفکر فی مصطلحات اهل الاثر، بیروت، دار الارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۴م.
- قاری، ملاعلی بن سلطان، شرح مسند أبو حنیفه، المحقق: خلیل محیی الدین المیس، بیروت دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق - ۱۹۹۵م.
- قفطی، علی بن یوسف، إنباء الرواة علی أنباه النحاء، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۸۶م.
- قمی، عباس، هدیه الاحباب فی ذکر المعروف بالکنی و الألقاب و الأنساب، نور مطاف، قم، ۱۳۸۸ش.
- قمی، عباس، فیض التقدير فی ما يتعلق بحديث الغدير (خلاصه عباقت الأنوار میرحامد حسین هندی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ش.
- گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

- انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ مهر قم، ۱۳۹۸.
- گروه علمی، *موسوعه طبقات الفقهاء*، زیر نظر: جعفر سبحانی تبریزی، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۱۸ ق.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، مصحح: صفوة السقاء، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۳۶۸ ش.
- محبی، محمد امین بن فضل‌الله، *خلاصه الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر*، بیروت، دارصادر، (بی تا).
- محمد بن عبدالوهاب، *رسالة فی الرد علی الرافضة* (جلد ۱۲ از مجموعه آثار)، المحقق: ناصر بن سعد الرشید، جامعه الإمام محمد بن سعود، الرياض، بی تا.
- مسلم نیشابوری بن الحجاج، *الصحيح*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
- مقریزی، احمد بن علی، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع*، محقق: محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۰ ق یا ۱۹۹۹ م.
- مکارم شیرازی، ناصر، *دائرة المعارف فقه مقارن*، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۲۷ ق.
- نسائی، أحمد بن شعب، *السنن الصغرى*، تحقیق: عبد الفتاح أبو غده، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلامیه، ۱۴۰۶ ق. چاپ دوم.
- هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

واقدي، محمد بن عمر، *المغازي*، محقق: مارسدن جونس، بيروت لبنان،
مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ ق.